

شنومی مغنومی

د نر ششم

تألیف مولانا جلال الدین محمد بلخی

براساس نسخه‌ی رینولدز بکلی

انتشارات بهشت گمشده

رشت - ۱۳۹۵

مثنوی معنوی
مولانا جلال‌الدین محمد بلخی
دفتر ششم

ناشر: انتشارات بهشت گمشده
صفحه‌آرایی و ناظر چاپ: سعیده حسین زاده
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۰۰-۳۱-۲

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

انتشارات بهشت گمشده

دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رسمی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶ ۴۹ ۲۲ ۲۷

سرشناسه: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۴۷۲ ق. عنوان و نام
پدیدآور: مثنوی معنوی براساس نسخه رینولد نیکلسون / تالیف مولانا جلال
الدین محمد بلخی. مشخصات نشر: رشت: بهشت گمشده، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص. فروست: مثنوی معنوی؛ دفتر اول. شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۸۶۰۰-۳۱-۲. وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا. موضوع: شعر
فارسی - قرن ۷ ق. شناسه افزوده: نیکلسون، رنالدین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م.
مصحح. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ج ۶. PIR۵۲۹۹/آ۱. رده‌بندی دیویی:
۴۰۵۶۰۶۸. ۸۱/۳۱. شماره کتابشناسی: ۴۰۵۶۰۶۸

فهرست

۹	 مقدمه
۱۱	 بسم الله الرحمن الرحيم
۱۶	 سؤال سائو از مرغ عیسه بر سر ركض شهرى نشسته باشد سر او
۱۹	 نكوهيدن ناموس هاى رسوله را كه مانع ذوق ايمان و دليل
۲۰	 مناجات و پناه جستن به حق از نيازى اختيار و از فتنه
۲۲	 حكايهت غلام هندو كه به خواهر زادهى خود پنهان هوا
۲۴	 صبر فرمودن خواجه مادر دختر را در غم را زجر مكن من
۲۵	 در بيان آنكه اين غرور تنها آن همدار نبود
۲۷	 در عموم تأويل اين آيت كه كُلُّمَّا أَؤْتِدُوا نَارًا عَرْبٍ
۲۷	 قصه يى هم در تقرير اين
۲۸	 وانمودن پادشاه به امر او و متعصبان در راه اياز سب
۲۹	 مدافعه ي امرآ آن حجت را شبهه ي جبريانه و جواب
۳۱	 حكايهت آن صيادى كه خويشتن در گياه پيچيده بود و دسته ي
۳۲	 حكايهت آن شخص كه دزدان قوچ او را بدزدديدند و بر
۳۳	 مناظره ي مرغ با صياد در ترهب و در معنى ترقيى كه
۳۶	 حكايهت آن پاسبان كه خاموش كرد تا دزدان رخت
۳۷	 حواله كردن مرغ گرفتاري خود را در دام به فعل و مكر
۳۸	 حكايهت آن عاشق كه شب بيامد بر اميد وعده ي معشوق بدان
۴۱	 استدعاى امير ترك مخمور مطرب را به وقت صبح و تفسير
۴۲	 در آمدن ضرير در خانه ي مصطفى و گريختن عايشه
۴۳	 امتحان كردن مصطفى عايشه را كه چه پنهان مى شوى
۴۴	 حكايهت آن مطرب كه در بزم ترك اين غزل آغاز كرد

- تفسیر قوله مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا ۴۵
- تشبیه مغفلی که عمر ضایع کند و وقت مرگ در آن تنگاتنگ ۴۷
- نکته گفتن آن شاعر جهت طعن شیعی حلب ۴۸
- نمایل مرد حریص نابینده رزاقی حق را و خزاین ۴۹
- داستان آن شخص که بر در سرایی نیم شب سحوری می‌زد ۵۰
- قصه‌ی اَخْدَ اَخْدَ گفتن بلال در حَرِّ حجاز از محبت ۵۲
- ایستادن صدیق واقعی بلال را و ظلم جهودان ۵۵
- وصیت کردن مصطفی صدیق را که چون بلال را ۵۷
- خندیدن به جهود پنداشتن که صدیق مغبون است در این عقد ۵۹
- معاینه مصطفی صدیق که تو را وصیت کردم ۶۱
- قصه‌ی هلال و بندی مخالف بود خدای را صاحب ۶۲
- حکایت در تقریر سمیع سخن ۶۳
- مثل ۶۴
- رنجور شدن این هلال و بی‌خوابی از رنجوری ۶۵
- درآمدن مصطفی از بهر عبادت هلال در ستورگاه ۶۶
- در بیان آنکه مصطفی شنید که عیسی بر آبی آب رفت ۶۶
- داستان آن عجزه که روی زشت خویشتن را ۶۸
- داستان آن درویش که آن گیلانی را دعا کرد که خدا را ۶۹
- صفت آن عجزه ۶۹
- قصه‌ی درویش که از آن خانه هر چه می‌خواست ۶۹
- رجوع به داستان آن کمپیر ۷۰
- حکایت آن رنجور که طبیب در او امید صحت ندید ۷۱
- رجوع به قصه‌ی رنجور ۷۳
- قصه‌ی سلطان محمود و غلام هندو ۷۵
- لَيْسَ لِلْمَاضِيْنَ هُمُ الْمَوْتِ اِنَّمَا لَهُمْ حَسْرَةُ الْقَوْتِ ۷۸
- بار دیگر رجوع کردن به قصه صوفی و قاضی ۸۰
- طیره شدن قاضی از سیلی درویش و سرزنش کردن صوفی ۸۳

۸۴	 جواب دادن قاضی صوفی را
۸۵	 سؤال کردن آن صوفی قاضی را
۸۵	 جواب گفتن آن قاضی صوفی را
۸۷	 باز سؤال کردن صوفی از آن قاضی
۸۷	 باب قاضی سؤال صوفی را و قصه‌ی تُرک و درزی را
۸۸	 مال الّیّی إنّ الله یلقنُ الحِکْمَةَ عَلَی لِسَانِ الْوَاعِظِیْنَ
۸۸	 عوی کردن تُرک و گرو بستن او که درزی از
۸۹	 مضحک گفتن دراز و تُرک را از قوّت خنده بسته شدن
۹۰	 گفتن درزی مُتک را به خاموش کن اگر مضاحک
۹۱	 بیان آنکه بیکبار از او مان جوان مثل آن تُرکند و عالم غُرار
۹۱	 مثل
۹۲	 باز مکرر کردن صوفی سؤال را
۹۲	 جواب دادن قاضی صوفی را
۹۳	 حکایت در تقدیر آنکه صبر در رنج کار را از صبر
۹۴	 مثل
۹۶	 باقی قصه‌ی فقیر روزی طلب بی واسطه‌ی کسب
۹۹	 قصه‌ی آن گنجنامه که پهلوی قبه‌ی روی به قبله کن
۱۰۱	 تمامی قصه‌ی آن فقیر و نشان جای آن گنج
۱۰۱	 فاش شدن خبر این گنج و رسیدن به گوش پادشاه
۱۰۲	 نوید شدن آن پادشاه از یافتن آن گنج و ملول شدن
۱۰۲	 باز دادن پادشاه گنجنامه را به آن فقیر که بگیر ما
۱۰۵	 حکایت مرید شیخ حسین خرقانی ۱
۱۰۶	 پرسیدن آن وارد از حرم شیخ که شیخ کجاست کجا جویم و
۱۰۷	 جواب گفتن مرید و زجر کردن مرید آن طعانه را از
۱۰۹	 واگشتن مرید از وثاق شیخ و پرسیدن از مردم و نشان
۱۰۹	 یافتن مرید مراد را و ملاقات او با شیخ نزدیک آن بیشه
۱۱۰	 حکمت در اِئِی جاعِلُ فِی الْأَرْضِ خَلِیْفَةً

- ۱۱۲ معجزه‌ی هود در تخلّص مؤمنان اُمّت به وقت نزولِ باد
- ۱۱۵ رجوع کردن به قصّه‌ی قبه و گنج
- ۱۱۶ انابت آن طالب گنج به حق تعالی بعد از طلب بسیار
- ۱۱۹ آواز دادنِ هانف مر طالب گنج را و اعلام کردن از حقیقت
- ۱۲۰ حکایت آن سه مسافر مسلمان و ترسا و جهود که به منزل
- ۱۲۴ شکایت اشتر و گاو و قُح که در راه بند گیاه یافتند
- ۱۲۴ ن
- ۱۲۵ جواب گفتنِ مسلمان آنچه دید به یارانش جهود و ترسا
- ۱۲۶ مناد کردن ملکِ ترمید که هر که در سه یا چهار روز به
- ۱۳۲ حکایت حق مونس به جغز و بستنِ پای هر دو به رشته‌ی
- ۱۳۳ تدبیر کردن مونس به جغز که نمی‌توانم بر تو آمدن به
- ۱۳۴ مبالغه کردنِ موش در لاله و زلف و وصلتِ جُستن از
- ۱۳۶ لاله کردن موش مر جغز که برانه سینه‌اش و در نسیم مینداز
- ۱۴۰ حکایت شب دزدان که سلطان محمود دست در میان ایشان
- ۱۴۵ قصّه‌ی آنکه گاو بحری گوهر کاویان از سر دریا برآورد شب
- ۱۴۶ رجوع کردن به قصّه‌ی طلب کردن آن موش آن - عز را لب
- ۱۴۷ قصّه‌ی عبدالغوث و ربودنِ پریان او را و سال سیان
- ۱۴۹ داستان آن مرد که وظیفه‌ی داشت از محتسب تبریز و وام
- ۱۵۰ آمدن جعفر به گرفتنِ قلعه‌ی به تنهایی و مشورت کردن
- ۱۵۴ رجوع کردن به حکایت آن شخص وام کرده و آمدن او
- ۱۵۴ باخبر شدنِ آن غریب از وفات آن محتسب و استغفار او از
- ۱۵۹ مَثَل دو بین همچو آن غریب شهر کاش عُمَر نام که از یک
- ۱۶۰ توزیع کردن پایمرد در جمله‌ی شهر تبریز و جمع شدن اندک
- ۱۶۴ دیدن خوارزمشاه در سَیْران در موکب خود اسبی بس نادر
- ۱۶۷ مواخذه‌ی یوسف صدّیق به حبسِ بَضْعِ سَنین به سبب
- ۱۷۲ رجوع کردن به قصّه‌ی آن پایمرد و آن غریب و امدار و
- ۱۷۳ گفتنِ خواجه در خواب به آن پایمرد وجوه وام آن دوست را

- ۱۷۵ حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را
- ۱۷۶ بیان استمداد عارف از سرچشمه‌ی حیات ابدی و مستغنی
- ۱۷۸ روان شدن شهزادگان در ممالک پدر بعد از وداع
- ۱۸۱ رفتن پسران سلطان به حکم آنکه *الانسان حریص علی ما مئع*
- ۱۸۳ دیدن ایشان در قصر این قلعه‌ی ذات القصور نقش روی دختر
- ۱۸۵ مکاتب صدر جهان بخارا که هر سائلی که به زبان بخواستی از
- ۱۸۷ نایب آن دو برادر یکی کوسه و یک امرد در عزب‌خانه‌یی
- ۱۸۹ در تفسیر این خبر که *مصطفی فرمود منهومان لایشتعان*
- ۱۹۰ بحث کردن آن سه شه‌نایب در تدبیر آن واقعه
- ۱۹۰ مقاتلت برادر بزرگ
- ۱۹۱ ذکر آن پادشاه که آن مستند به اکراه در مجلس آورد و
- ۱۹۴ روان گشتن شاهزادگان بعد از اتمه بحث و ماجرا به
- ۱۹۴ حکایت امره القیس که پادشاه در صورت عظیم به
- ۱۹۸ بعد مکث ایشان متواری در بلاد چین در سخت‌گاه و بعد
- ۲۰۳ بیان مجاهد که دست از مجاهده باز ندارد اگر چه دانا بسطت
- ۲۰۵ حکایت آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلب از
- ۲۰۵ سبب تأخیر اجابت دعای مؤمن
- ۲۰۶ رجوع کردن به قصه‌ی آن شخص که به او گنج نشان
- ۲۰۷ رسیدن آن شخص به مصر و شب بیرون آمدن به کوی از بهر
- ۲۰۸ بیان این خبر که *الکذِبُ رِبَّةٌ وَالصَّدْقُ طَمَأْنِیَّةٌ*
- ۲۱۱ مثل
- ۲۱۱ بازگشتن آن شخص شادمان و مراد یافته و خدای را
- ۲۱۳ مکژر کردن برادران پند دادن بزرگین را و تاب نآوردن او
- ۲۱۶ مفتون شدن قاضی بر زن جوخی و در صندوق ماندن و نایب
- ۲۱۷ رفتن قاضی به خانه‌ی زن جوخی و حلقه زدن
- ۲۱۹ آمدن نایب قاضی میان بازار و خریداری کردن
- ۲۲۰ در تفسیر این خبر که *مصطفی فرمود مَنْ کُتِّ مَوْلَاهُ*

- ۲۲۱ باز آمدن زن جوخی به محکمه‌ی قاضی سال دوم بر
- ۲۲۳ باز آمدن به شرح قصه‌ی شاهزاده و ملازمت او در
- ۲۲۴ در بیان آنکه دوزخ گوید که قنطره‌ی صراط بر سر اوست ای
- ۲۲۵ متوقی شدن بزرگین از شهزادگان و آمدن برادر میانین به
- ۲۳۰ وسوسه‌یی که پادشاهزاده را پیدا شد از سبب استغنائی و
- ۲۳۲ خطاب حق به عزرائیل که تو را رحم بر که بیشتر
- ۲۳۳ کرامات شیخ شیبان راعی
- ۲۳۴ رجوع کردن به قصه‌ی پروردن حق تعالی نمرود
- ۲۳۵ رجوع کردن به قصه‌ی شاهزاده زخم خورد از
- ۲۳۶ وصیت که با آنکه من که بعد از او برد مال مرا
- ۲۳۷ مثل

مقدمه

مجلد ششم از دفتر های مثنوی و بیّنات معنوی که مصباح ظلام وهم و شبهت و خیالات و شک و ریب باشد این مصباح را به حسن حیوانی ادراک نتوان کردن؛ زیرا مقام حیوانی اسفل السالمین است که ایشان را از بهر عمارت، صورت عالم اسفل آفریده اند و بر حواس و مدارک ایشان دایره ای کشیده اند که از آن دایره تجاوز نکنند.

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ یعنی مدار و بدن عمل ایشان و جولان نظر ایشان پدید کرد؛ چنان که هر ستاره را مقداری سیر و گریزهای ز فلک که تا آن حد عمل او برسد و همچون حاکم شهری که حکم او در آن شهر تمام باشد پس در ورای آن توابع آن شهر او حاکم نباشد، عَصَمَنَا اللَّهُ مِنْ حَبْسِهِ وَخَتْمِهِ وَمَا حُجِبَ بِأَلَمِ الْجَوْبِينَ، آمین يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ.